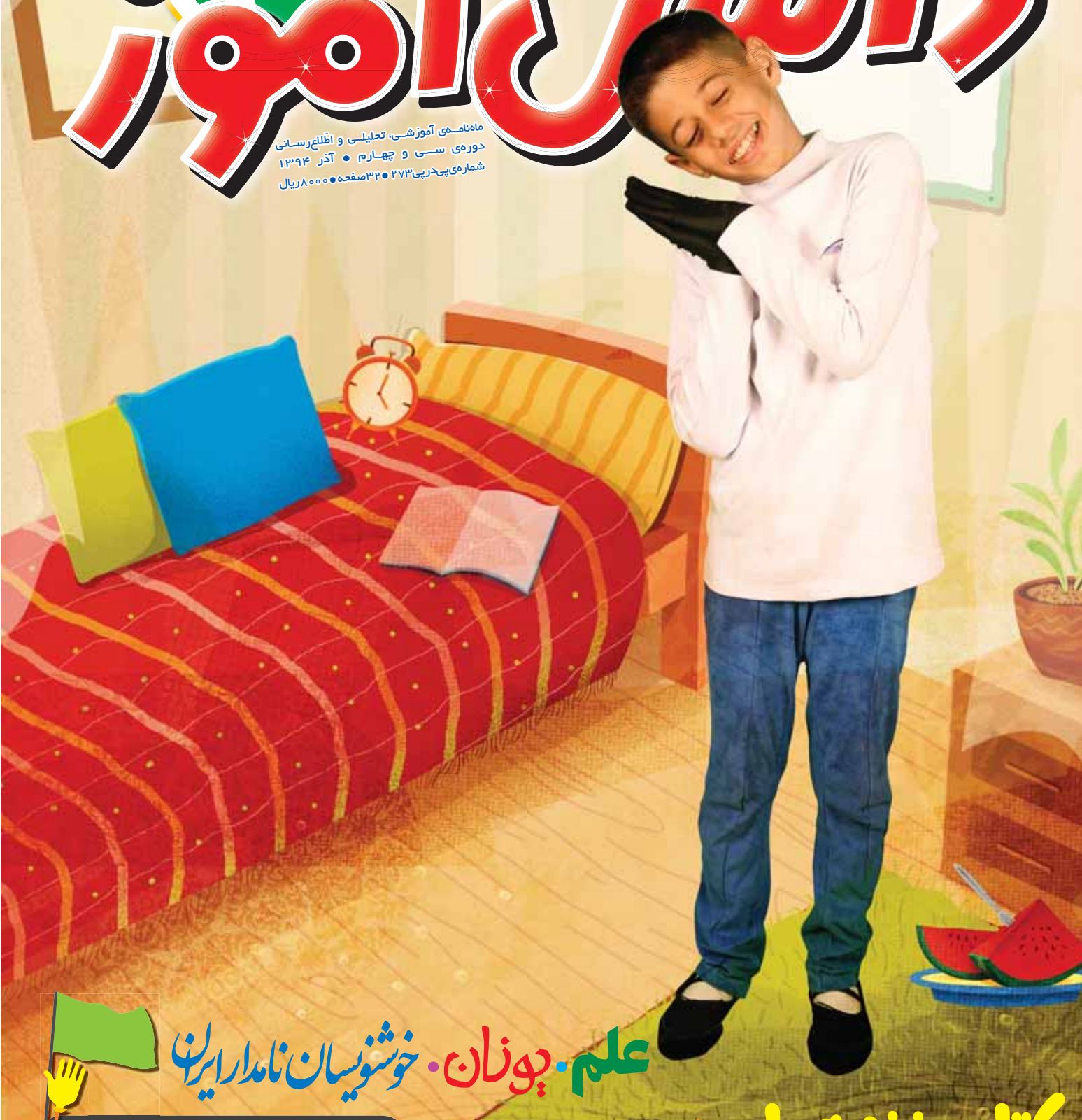


دانش آموز

برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم، پنجم و ششم دبستان

ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
دوره‌ی سسی و چهارم • آذر ۱۳۹۴
شماره‌ی پیدرپی ۲۷۳ • ۳۲ صفحه • ۸۰۰۰ ریال



علم • پوزان • خوشنویسان نامدار ایران

گرچه آبم، روزی اما سوختم

گدَم‌های عزیز!

کتاب خنده‌دار

به نام خدا

بهترین خواندنی جهان

بگو من مالک
سود و زیان خود
نیستم. مگر آن چیزها که
خدا بخواند.

قرآن کریم، سوره‌ی اعراف،
از آیه‌ی ۱۸۸

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی



- ▶ مامانم‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
- ▶ برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم و ششم دبستان
- ▶ دوره‌ی سی و چهارم • آذر ۹۴ • شماره‌ی ۳
- ▶ شماره‌ی پی در پی ۲۷۳
- ▶ مدیر مسئول: محمد نامری
- ▶ سردبیر: شهرام شفیعی بافتی
- ▶ مدیر داخلی: اعظم اسلامی
- ▶ ویراستار: فرید بهنوا
- ▶ طراح گرافیک: روشنگر فتحی
- ▶ شورای برنامه‌ریزی:
- نقی سلیمانی، آتوسا صالحی، احمد اسماعیلی نراقی
- حسین شاهوردی، مجید راستی،
- افسانه موسوی گرم‌رودی، محبت‌الله همتی

نشانی دفتر مجله: تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶

تلفن دفتر مجله: ۰۲۱ - ۸۸۸۴۹۰۹۵

وبگاه: www.roshdmag.ir

مرکز بررسی آثار رشد دانش‌آموز

نوشته‌ها، نقاشی‌ها و آثار دیگر خود را به مرکز بررسی آثار
مجله‌ی رشد دانش‌آموز بفرستید.

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۹

رایانامه: daneshamooz@roshdmag.ir

- تلفن پیام‌گیر مجلات رشد: ۰۲۱ - ۸۸۳۰۱۴۸۲
- کد دفتر مجله: ۱۰۵
- کد مدیر مسئول: ۱۰۲
- کد امور مشترکین: ۱۱۴
- شمارگان: ۱۶۴۰۰۰ نسخه
- چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

- طراح عنوان مطالب: سعید سلیمی
- عکس‌های شوخی، کتاب‌خنده‌دار و آشنایی از اعظم لاریجانی
- تصویرسازی روی جلد: سید میثم موسوی

گدَم‌های عزیز!



سفر آسمانی

۱۴

علم

تقویم دانش‌آموز

۲

من یار مهربانم

۲۲

سرگرمی

۲۴

جدول

۳۲

چگونه مراقب

حرف‌های خصوصی

باشیم؟



عقرب کشتی بزرگ



۶



۲۶

پنجه

شوخی!



۱۴



بازی های علمی

۲۸

خوشنویسان نامدار ایران



۱۰



۸

کاش...

کبوتران اهلی
سکوت دریا



۱۸

راه و بی راه



۱۲

یونانیان معمولاً با صدای بلند و
پرهیجان صحبت می کنند!

پوزان



۱۶

کتاب خنده دار

۷ آذر روز نیروی دریایی

در هفتم آذر سال ۱۳۵۹ نیروهای دشمن از هوا و دریا به ناوهای ایران حمله کردند. نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران هم با تمام نیرو به آن‌ها حمله کرد. ناوچه‌ی ایرانی پیکان، تعداد زیادی از کشتی‌ها و هواپیماهای عراقی را از صحنه خارج کرد. ناوچه‌ی ایرانی پیکان بر دشمنان پیروز شد اما در اثر برخورد موشک، زیر آب رفت و تمام سرنشینانش به شهادت رسیدند. این روز را روز نیروی دریایی نامیده‌اند.



۱۲ آذر روز جهانی معلولان



۱۳ آذر روز بیمه



بیمه یعنی آینده‌نگری درباره‌ی خطراتی که از آن‌ها بیم داریم. شرکت‌های بیمه در صورت پیش آمدن آن خطرات به ما کمک می‌کنند. روزی که نصف خانه‌ی آقای تهرانی (همسایه‌ی دیوار به دیوارمان) به خاطر ترکیدن آبگرمکن خراب شد، مادر بزرگ گفت: «طفلك آقای تهرانی، از کجا می‌خواهد این همه پول بیاورد و خانه‌اش را درست کند؟» اما چند روز بعد دیدیم آقای تهرانی کلی پول آورد و خانه‌اش را درست کرد. آقای تهرانی به پدرم گفت که خانه‌شان را بیمه کرده بوده و بیمه هم به او پول داده تا خانه را درست کند. برای این کار، آقای تهرانی هر سال مقدار کمی پول به شرکت بیمه پرداخت می‌کرده است. پدرم گفت: «بیمه در ایران سابقه‌ای بسیار طولانی دارد.»

۱۱ آذر اربعین حسینی

گاه ابر و گاه باران می‌شوم
گاه از یک چشمه جوشان می‌شوم

گاه از یک کوه می‌آیم فرود
آبشار پر غرورم گاه رود

نیست چیزی برتر از من در جهان
زندگی از آب می‌گردد نشان

گرچه آیم، روزی اما سوختم
قطره تا دریا سراپا سوختم

تشنه‌ای آمد لبش را تر کند
چاره‌ی لب تشنه‌ای دیگر کند

تشنه‌ای آمد که سیرابش کنم
مشک خالی داد تا آبش کنم

تشنه‌ی آن روز من عباس بود
پاسدار خیمه‌های یاس بود.

عبدالرحیم سعیدی‌راد



۱۹ آذر رحلت رسول اکرم (ص)

شهادت امام حسن مجتبی (ع)

روزی پیامبر در مسجد نماز می خواندند. بعد از نماز و در میان خطبه، پیامبر ناگهان از جایشان برخاستند و از منبر پایین آمدند. ایشان از میان جمعیت عبور کردند. کودکی در مسجد زمین خورده بود. حضرت محمد (ص) آن کودک را بلند کردند و همراه خودشان بالای منبر بردند. بعد کودک را روی زانویشان نشانده و خطبه را ادامه دادند. آن کودک، نوهی ایشان امام حسن (ع) بود.

پیامبر اسلام، سرچشمه‌ی مهربانی و محبت و عشق به دیگران بودند.



۲۱ آذر شهادت امام رضا (ع)

در دوستی‌ها بی‌ریا بود
با هر کسی او مهربان بود
گنجشک‌ها را دوست می‌داشت
با شیر و آهو مهربان بود

او آفتابی داشت در دل
روشن‌تر از خورشید روشن
می‌گفت او که: «بهترین دوست
عقل است و نادانی ست دشمن»

ایران پر از نور است با او
در مشهد است آرامگاهش
نامش برای ما عزیز است
در پیش ما زنده است راهش.

جعفر ابراهیمی (شاهد)

۲۹ آذر

شهادت امام حسن عسگری (ع)

امام حسن عسگری (ع) امام یازدهم شیعیان درباره‌ی اهمیت کم حرف زدن می‌فرمایند: «دل ابله بر سر زبان اوست و زبان دانا در کنج دل او.»

۳۰ آذر شب یلدا

شب یلدا در خراسان، ریشه‌ی گیاهی را به نام چوبک که در خراسان به آن «بیخ» می‌گویند در آب خیس می‌کنند. بعد از چندبار جوشاندن در ظرف بزرگ سفالی می‌ریزند و با چوب نازک درخت انار آن را ساعت‌ها می‌زنند تا به صورت کف در می‌آید. بعد که این ماده سفت می‌شود به آن شیرهی شکر می‌زنند طوری که مثل گز اصفهان می‌شود و شب یلدا آن را می‌خورند.

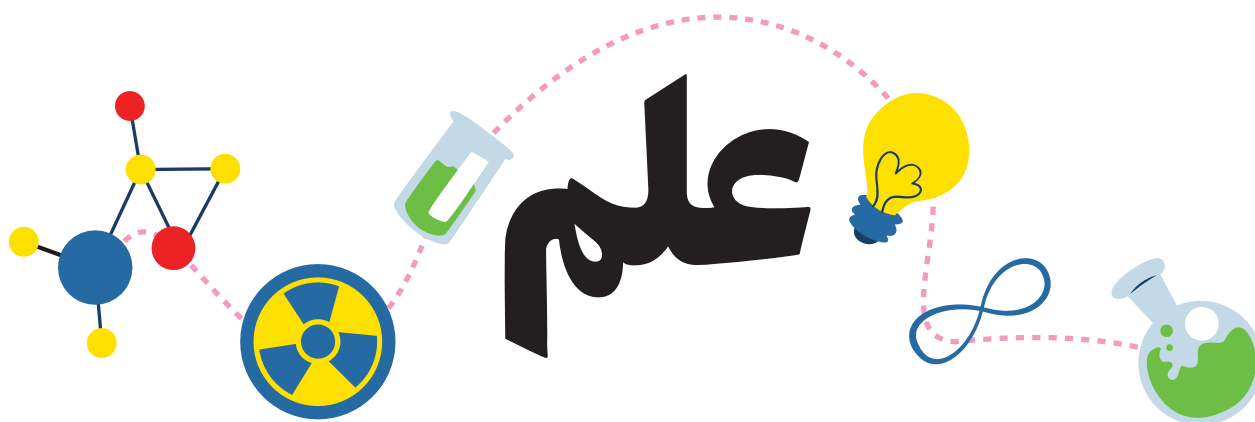
شب یلدا در کردستان: در شهر سنندج در شب یلدا با دلمه و نان سنگک از مهمان‌ها پذیرایی می‌کنند.

شب یلدا در استان فارس: در استان فارس، مرکبات، هندوانه، خرما و رنگینک از خوراکی‌های شب یلداست.

شب یلدا در همدان: شعرخوانی و فال گرفتن در شب یلدا، همدان اهمیت زیادی دارد.

شب یلدا در لرستان: مردم لرستان در این شب گندم و شیره می‌خورند. یعنی گندم را در شیره خیس می‌کنند و به آن نمک و زردچوبه می‌زنند. بعد آن را برشته می‌کنند و همراه بادام و گردو و کشمش و کنجد و سیاه‌دانه می‌خورند.





حامد دانستن خیلی چیزها را دوست دارد. اما او با فرصت کمی که دارد، باید به دنبال یاد گرفتنِ چه چیزهایی برود؟

رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: علمی که آموختنِ آن بر همه واجب است، علمی است که تو را تربیت می‌کند و به کمال می‌رساند.

مهدیه کمی خجالتی است. هم‌کلاسی‌اش همیشه به او می‌گوید چرا چیزهایی را که می‌خواهی بدانی، نمی‌پرسی؟

پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: علم و دانش گنجینه‌هایی دارد. کلید این گنجینه‌ها پرسش است. در هر پرسش، خداوند به چهار نفر پاداش می‌دهد. اول پرسش‌کننده، دوم پاسخ‌گوینده، سوم شنوندگان و چهارم دوستدارانِ آن‌ها.

رقیّه دانش آموز کنجکاو بود. او می‌خواست بداند علم حقیقی چیست.

رسول خدا (ص) درباره‌ی علم فرموده‌اند: علم یعنی سکوت کردن، گوش فرا دادن، به خاطر سپردن، عمل کردن و آن‌گاه آموختن به دیگران.

عبّاس همیشه فکر می‌کند که چه‌طور می‌تواند مانند دانشمندان حقیقی زندگی کند.

امام سجّاد (ع) فرموده‌اند: از آن چه که به آن علم نداری پیروی مکن... تا نشنیده‌ای نگو شنیدم... تا ندیده‌ای نگو دیدم... تا ندانسته‌ای نگو دانستم.



پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: مقدار اندکی از علم، عمل بسیار می‌خواهد. اگر علمی پیدا کردید، تا آخر عمر خود به آن عمل کنید.
مهدی بعد از خواندن این حدیث نتیجه گرفت:
- اگر چیزی را یاد بگیرم ولی به آن عمل نکنم، انکار اصلاً آن را یاد نگرفته‌ام.



سمانه دختر باهوشی است. اما همین باهوش بودن باعث می‌شود که گاهی به دانسته‌های دیگران اهمیت ندهد. آیا باهوش بودن برای رسیدن به علم کافی است؟

حضرت صادق(ع) فرموده‌اند: تکبر مانع آموختن علم می‌شود و شخص مغرور نمی‌تواند از دانش عالمان بهره‌بردارد.

ناهید از خانم معلم پرسید: وظیفه‌ی کسی که می‌داند و علمی دارد چیست؟
امام صادق(ع) فرموده‌اند: کسی که راضی نشود علم را به دیگران بیاموزد، بخیل است.
امام باقر(ع) فرموده‌اند: زکات علم، آموختن آن به دیگران است.



امام صادق(ع) فرموده‌اند: از خود راضی بودن، کلید نادانی است. نادان همیشه از فکرها و کارهای خود، راضی است. او ضعف‌های خود را نمی‌داند و خویش را از هر جهت کامل می‌پندارد. کلید علم، برداشتن قدم‌های تازه است.



علی از پدرش پرسید از کجا می‌فهمیم که کسی واقعاً به دنبال علم است؟
پیامبر(ص) فرموده‌اند: کسی که می‌آموزد، هرگز از آموختن سیر نمی‌شود.

منابع:
- اصول کافی
- صحیفه‌ی سجّادیه
- بحارالانوار
- تحف العقول

عقرب کشتی بزرگ

• نویسنده: سوسن طاق‌دیس
• تصویرگر: میثم موسوی



صبح زود وقتی آقای عقرب خواست از لانه‌اش بیرون برود، زنش دوان‌دوان دنبالش آمد و گفت: «آهای آقای عقرب! مبادا یک وقت دست از پا خطا کنی و نیشی به کسی بزنی. خودت می‌دانی اگر این کار را بکنی، دیگر جای ما توی کشتی نیست. آن وقت دوتایی توی توفان چه خاکی به سرمان بریزیم؟»

آقای عقرب آهی کشید و گفت: «گمان کنم حسرت نیش زدن تا آخر عمر به دلم بماند. باشد نیش نمی‌زنم!» مدّت‌ها بود که فکر و ذکر همه‌ی حیوان‌ها شده بود توفان. آقای عقرب شنیده بود که خداوند به پیامبرش گفته است که توفان بزرگی از راه می‌رسد و همه‌ی آدم‌های گناه‌کار را از بین می‌برد. سال‌ها بود که آن پیامبر خدا داشت کشتی‌اش را می‌ساخت تا همه‌ی آدم‌های خوب و یک جفت از همه‌ی حیوانات دنیا را در آن بگذارد و از توفان نجاتشان بدهد. لانه‌ی عقرب نزدیک خانه‌ی پیامبر کشتی‌ساز بود و عقرب هر روز می‌دید که او و خانواده‌اش مشغول ساختن کشتی هستند.

بالاخره کار ساختن کشتی تمام شد. اگر چه هنوز از توفان خبری نبود، ولی همه رفتند تا سوار کشتی شوند و برای حرکت آماده باشند. آقای عقرب دوید تا سوار کشتی شود اما زنش فریاد کشید: «آهای کجا؟... بیا بار و بندیلیمان را برداریم و ببریم. نکند مرا هم فراموش کرده‌ای!»

آن‌ها دوان‌دوان خودشان را به داخل کشتی رساندند. آقای عقرب با حسرت به این طرف و آن طرف نگاه می‌کرد و می‌گفت: «ای داد! ای بیداد! نگاه کن ببین چه قدر پا این جا هست و من نمی‌توانم حتی به یکی از آن‌ها نیش بزنم!» زنش جواب داد: «ای مرد خجالت بکش ما این جا مهمان هستیم مبادا دسته گلی به آب بدهی. مبادا کار اشتباهی بکنی.» ولی آقای عقرب بدجوری هوس نیش زدن کرده بود.

آن‌جا دختر کوچکی بود که حیوان‌ها را خیلی دوست داشت و همیشه کنار آن‌ها بود. او تصمیم گرفت حواسش را جمع کند و مراقب آقای عقرب باشد.

مدتی گذشت. مردم حضرت نوح و همراهانش را مسخره می‌کردند و می‌گفتند پس چرا توفان نشده و خلاصه، کلی به آن‌ها می‌خندیدند.

آقای عقرب هم دیگر طاقتش تمام شده بود. هر وقت چشمش به پاهای کوچک و سفید خرگوش می‌افتاد، هر وقت دماغ سرخ و قشنگ آقا شیر را می‌دید، هر وقت گوش بزرگ فیل را نگاه می‌کرد، دلش برای یک نیش حسابی ضعف می‌رفت. ولی حیف. دختر مهربان، همیشه، همه‌جا مراقب حیوان‌ها بود.

بالاخره توفان شروع شد و آن قدر باران بارید که کشتی روی موج‌های بزرگ، به حرکت درآمد. ناگهان موج بزرگی به کشتی خورد. آقای عقرب پرتاب شد و افتاد روی یک دماغ گرم و نرم و صورتی! آقای عقرب دیگر نتوانست جلوی خودش را بگیرد و نیشش را توی آن دماغ صورتی فرو کرد!

بله... آقای عقرب هنوز نیش‌اش را بیرون نیاورده بود که غرّش وحشتناکی شنیده شد. دماغ صورتی، تکان شدیدی خورد و عقرب به یک طرف دیگر پرتاب شد.

شیر از شدت درد به هر طرف می‌دوید و به هر چیزی که سر راهش بود، برخورد می‌کرد. خودش را به در و دیوار می‌کوبید. می‌غرید و می‌رفت و برمی‌گشت. یک‌بار هم که از کنار عقرب رد می‌شد، چنان او را زیر پا له کرد که دو تا از پاهای آقای عقرب شکست.

دختر مهربان دوید و پیامبر کشتی‌ساز را خبر کرد. پیامبر شیر نیش خورده را گرفت. او را نوازش کرد. شیر، آهسته‌آهسته آرام شد. پیامبر کشتی‌ساز، دارویی به جای نیش عقرب مالید و آن قدر شیر را نوازش کرد که خوابش برد. دختر مهربان به سراغ عقرب آمد. او را که با پاهای شکسته مثل بید می‌لرزید برداشت و پیش پیامبر کشتی‌ساز برد. بعد گفت: «فکر کنم این عقرب را هم باید تنبیه کنیم ای پیامبر خدا.»

پیامبر کشتی‌ساز دستی به سر دختر کشید و به عقرب نگاه کرد. زن آقای عقرب، خودش را به آن‌ها رساند و شروع به گریه‌واری کرد. بعد گفت: «ای پیامبر خدا، از گناه شوهرم بگذر!»

پیامبر کشتی‌ساز گفت: «خداوند او را تنبیه کرده است. پاهای او را ببینید. حالا او را ببرید و درمانش کنید.» زن عقرب با خوشحالی از پیامبر کشتی‌ساز تشکر کرد و آقای عقرب را با خودش برد. دیگر غذای داخل کشتی تمام شده بود. همه با نگرانی، منتظر تمام شدن توفان بودند. ولی آب همه‌جا را گرفته بود. پیامبر کشتی‌ساز و همراهانش دعا می‌کردند که خداوند آن‌ها را نجات بدهد.

ناگهان دختر مهربان چند پرنده دید که در دور دست‌ها می‌پریدند. او فریاد کشید و گفت: «پرنده‌ها را ببینید!» پیامبر کشتی‌ساز با خوشحالی گفت: «خدا را شکر. حتماً آن دورها خشکی هست.»

مدتی بعد کشتی به بالای کوه بلندی رسید. حیوانات از کشتی بیرون آمدند. بعد هم همه‌جا خرم و سرسبز شد. آقای عقرب با پاهای شکسته که نمی‌توانست زیاد راه برود نزدیک کشتی در یک غار کوچک خانه ساخت و زنش برای او پنجاه و دو تا بچه به دنیا آورد!

می‌گویند از آن به بعد پاهای عقرب‌ها به این شکل که می‌بینید، کج مانده است.



کاش...

● شاعر: مریم اسلامی
● تصویرگر: مریم طباطبایی

خسته‌تر از همیشه آمده بود
گره‌آخم روی پیشانی
سرد و بی‌حوصله
حضور و غیاب

بعد
دعای تخته با مازیک
خط‌خطی‌های ناخوش و باریک

کاش آن ابر بی‌خیال دور
نیمه‌ی شب به حرف آمده بود
و به جای معلم خسته
کاش امروز برف آمده بود!

A painting of a snowy scene. In the foreground, a wooden desk is partially visible, covered with a layer of snow. In the background, a bare tree branch reaches across the frame. The sky is a pale, hazy blue, and the ground is covered in a thick layer of snow. The overall mood is quiet and serene.

کبوتران اهلی

● شاعر: یاسمین شفیعی پور

کبوتران

اهلی پیراهنِ بلندِ شما شده‌اند

روزها

از آن دانه برمی‌چینند

و

شبها

بر آن آرام می‌گیرند.

سکوت دریا

● شاعر: یوهان ولفگانگ فون گوته (شاعر آلمانی)
● ترجمه‌ی آزاد: پریسا برازنده

سکوت و آب است تا چشم کار می‌کند

دریا بی‌حرکت، آرام گرفته است

ناخدا نگاه می‌کند

آب بی‌صدا می‌درخشد

هیچ بادی، از هیچ سویی نمی‌وزد

سکوت، هراس‌انگیز است

یک دریا سکوت!

ناخدا مردِ سکوت‌های طولانی است

ناخدا نمی‌ترسد.

● با سپاس از: آتوسا صالحی

خوشنویسان نامدار ایران

خوشنویسی در ایران، همیشه از هنرهای مهم و دوست‌داشتنی بوده است. هنر خوشنویسی ایرانی همواره در خدمت قرآن و ادبیات معنوی و خدایرستانی ما بوده است. در یکی از شماره‌های قبلی با انواع خط آشنا شدیم. در این شماره با مهم‌ترین خوشنویسان ایران آشنا می‌شویم.

• پریسا برازنده

میرزا محمدحسین عمادالکتاب

- حدود صدسال پیش می‌زیست.
- او شیوهی کلهر را ادامه داد.
- میرزا، آموزشگاه خوشنویسی داشت.
- میرزا، شاهنامه‌ی فردوسی را خوشنویسی کرد.

ابن‌مقله شیرازی

- بیش از هزارسال پیش می‌زیست.
- خط ریحان را کامل کرد.
- قرآنی به خط «نسخ» کتابت کرد.
- خط «توقیع» را ابداع کرد.
- ابن‌مقله ۱۲ قاعده برای خوشنویسی تعیین کرد.



خواجه اختیارالدین منشی گنابادی

- پانصدسال پیش می‌زیست.
- از بزرگ‌ترین استادان خط «تعلیق» بود.
- نامه‌های حکومتی را می‌نوشت.



استاد نیریزی

- سیصدسال پیش می‌زیست.
- خط نسخ به شیوهی ایرانی را ابداع کرد.
- کاتب قرآن بود.
- از بزرگ‌ترین خوشنویسان شیوهی «نسخ» بوده است.
- صحیفه‌ی سجّادیه را کتابت کرده است.



میرعلی تبریزی

- ششصدسال پیش می‌زیست.
- خط «نستعلیق» را ابداع کرد.
- می‌گویند شیوهی نستعلیق را از پرواز پرندگان الهام گرفت.





میر عماد حسنی قزوینی

- حدود چهارصد سال پیش می زیست.
- از بزرگ ترین کاتبان خط نستعلیق بود.
- خود را از نوادگان امام حسن مجتبی (ع) می دانست. به همین علت «حسنی» امضا می کرد.
- او بیرون از مرزهای ایران هم شهرت داشت و خط او را با کیسه های طلا معاوضه می کردند.
- خط میر عماد را «اوج زیبایی» توصیف کرده اند.
- میر عماد شعر هم می سرود.



میر علی هروی

- پانصد سال پیش می زیست.
- از بهترین خوشنویسان نستعلیق است.



میرزا محمدرضا کلهر

- بیش از صدسال پیش می زیست.
- از استادان خط نستعلیق بود.
- او شیوهی خاص خودش را در نستعلیق داشت.
- کلهر شیوهی خاصی برای نوشتن روی سنگ داشت.

گوهر شادخاتون

- حدود چهارصد سال پیش می زیست.
- او دختر میر عماد بود و به نستعلیق می نوشت.
- او مشهورترین زن خوشنویس ایران است.



درویش عبدالمجید طالقانی

- حدود سیصد سال پیش می زیست.
- مشهورترین خوشنویس خط شکسته است.
- درویش بوستان سعدی را کتابت کرد.
- او شاعر و عارف هم بوده است.



پوز

کشور

پایتخت: آتن
مساحت: ۱۳۱۹۹۰ کیلومتر مربع
جمعیت: ۱۱ میلیون نفر
واحد پول: یورو



یونان زادگاه فیلسوفان بزرگ باستان مثل سقراط، افلاطون و ارسطو است. یونان از قدیمی ترین کشورهای جهان است. همسایه های یونان، کشورهای آلبانی، بلغارستان، ایتالیا و ترکیه هستند. این کشور بیش از ۷۸۰۰ جزیره دارد که فقط ۹۶۰ جزیره ی آن مسکونی است. شهر «آتن» پایتخت یونان است.



آب و هوای یونان

یونان آب و هوای مدیترانه ای دارد. آب و هوای مدیترانه ای یعنی مناطقی که دارای زمستان های ملایم و تابستان های گرم هستند.

غذاهای یونانی

می گویند نخستین کتاب آشپزی جهان را یک یونانی در ۳۲۰ سال قبل نوشته است. در غذاهای یونانی از زیتون، پنیر، ماست، ماهی و سبزیجات استفاده می شود. بیشتر غذاهای یونانی با نوعی نان به نام «پیتا» خورده می شود. یونان با کشورهای ترکیه و ایتالیا ارتباط زیادی دارد. به همین علت غذاهای یونانی تأثیر زیادی از غذاهای این دو کشور گرفته است. «موساکا» یکی از معروف ترین غذاهای کشور یونان است.



یونان و فلسفه

یونان یکی از سرچشمه های فلسفه در جهان بوده است. فیلسوفان یونانی تأثیر زیادی در فلسفه داشته اند. فیلسوفانی مانند سقراط، افلاطون و ارسطو در یونان زندگی می کرده اند. فیلسوف به معنی «عاشق خرد» است و فیلسوفان کسانی هستند که درباره ی هر چیز، پرسش های تازه ای مطرح می کنند.

زبان و خط یونانی

مردم یونان با زبان یونانی صحبت می کنند. الفبای یونانی یکی از کهن ترین الفباهای جهان است. در بسیاری از کشورهای جهان، از الفبای یونانی در مسائل فیزیک و نام گذاری های علمی استفاده می شود.

بعضی از آداب و رسوم مردم یونان

- یونانی ها نسبت به کودکان بسیار با محبت اند.
- یونانی ها بسیار اهل مسافرت هستند. همچنین دوست دارند در رستوران ها غذا بخورند!
- یونانیان معمولاً با صدای بلند و پرهیجان صحبت می کنند!
- یونانیان علاقه ی زیادی به نگاه داشتن حیوانات خانگی دارند.





متورا

سان

زار جزیره

یونان و کشتیرانی

یونان دارای یکی از مهم‌ترین ناوگان‌های کشتیرانی جهان است. ۱۶ درصد کشتی‌های دنیا متعلق به کشور یونان است. مردم یونان معمولاً برای مسافرت از خطوط کشتیرانی استفاده می‌کنند.



مدارس یونان

در یونان، بچه‌ها از شش سالگی به مدرسه می‌روند. دوره‌های تحصیلی یونان، سه دوره‌ی ابتدایی، راهنمایی و متوسطه است. مدرسه‌های یونان به صورت مجموعه‌ی آموزشگاهی هستند به این صورت که مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان در یک مجموعه‌ی ساختمانی قرار دارند.



دیدنی‌های یونان

آکروپلیس: تپه‌ای در مرکز شهر آتن است که در قدیم دژ دفاعی این شهر بوده است. آکروپلیس مجموعه‌ای از تندیس‌ها، برج‌ها، ستون‌ها و محوطه‌های تئاتر است. این دیدنی‌ها برای همه‌ی مردم جهان، بسیار جذاب است.

تئاتر دلفی: این سالن تئاتر در بالای تپه‌ای ساخته شده است. این تئاتر ۳۵ ردیف جایگاه برای ۵۰۰۰ تماشاگر دارد. در قدیم از این مکان برای نمایش، شعرخوانی و اجرای موسیقی استفاده می‌شده است.

متورا: صومعه‌ای که در قرن چهاردهم ساخته شده است. این صومعه در بالای صخره‌هایی به ارتفاع ۴۰۰ متر ساخته شده است.



آکروپلیس

شوخی!

بازی مدادشمعی!

ساده، کم خرج، بامزه!

• حسین شاهوردی

در این بازی، شما رویتان را برمی گردانید. کسی یک مدادشمعی انتخاب می کند. شما بدون این که نگاه کرده باشید، رنگ آن مدادشمعی را می گوئید!

۳



حالا بدون این که برگردید، از او بخواهید مداد را به شما بدهد.

۲



اول رویتان را برگردانید. حالا از دوستان بخواهید یکی از آنها را انتخاب کند و بقیه را کنار بگذارد.

۱



مداد شمعی ها را روی میز بریزید.

وقتی دارید دستتان را بالا می آورید،
نگاهی سریع به ناخن رنگی شده
بیندازید تا رنگ مدادش می را بفهمید!
حالا رنگ مداد را به همه بگویید. بعد
هم آن را به همه نشان بدهید تا همه
بفهمند که درست گفته اید!



۶

دست آزادتان را بالا بیاورید و روی
سرتان بگذارید. طوری که انگار
دارید فکر می کنید!



۵

حالا برگردید و به تماشاچیان نگاه
کنید. مداد هنوز توی دست شماست
و به آن نگاه نکرده اید. فقط ناخنتان را
کمی توی آن فرو کنید!



۴

یک شوخی را معمولاً
نباید چند بار تکرار کنید.
لذا این یکی را چند بار
تکرار کنید تا همه بفهمند
که درست بودن جواب
اتفاقی نبوده است!



کتاب

بیاید با استفاده از هنر «پانتومیم» بازی کنیم! این قصه را با دقت بخوانید. هر جمله از قصه، به یکی از عکس‌هایی که می‌بینید، ربط دارد. عکس‌های درست را پیدا کنید. این عکس‌ها با استفاده از پانتومیم، جمله‌ها را نمایش داده‌اند. البته برای این که کار سخت شود، چند عکس دیگر هم به مجموعه اضافه شده است. عکس‌های قصه، به ترتیب کدام‌ها هستند؟

عکس‌های
درست را پیدا
کنید.



خنده دار

کتاب خنده دار

داشت کتاب خنده دار می خواند.
خنده اش گرفت. کتاب را بست.
کتاب را کنار گذاشت. خوابید. توی
خواب هم داشت می خندید!



راه و بی راه

چگونه به سلامت، رفت و آمد کنیم؟

برای عبور از خیابان،
از پل عابر پیاده یا زیرگذر
استفاده کن. اگر چنین امکاناتی
در اختیار نبود، حتماً این
مطلب را بخوان!



عبور از خیابان

- برای رفتن به سمت دیگر خیابان، از بین خودروهای پارک شده عبور نکن. اما اگر هیچ جای دیگری برای عبور وجود نداشت، جایی را انتخاب کن که در بین دو خودروی پارک شده، فاصله‌ی بیشتری وجود داشته باشد. همیشه مطمئن شو که در طرف دیگر خیابان، راهی برای رسیدن به پیاده‌رو وجود داشته باشد.
- مطمئن شو که خودروهای پارک شده در حال آغاز حرکت نباشند. اگر راننده‌ای داخل خودرو باشد، احتمال دارد که حرکت کند.
- از پشت خودروهای بزرگ برای عبور از خیابان حرکت نکن. ممکن است رانندگان در حال عبور، نتوانند تو را ببینند.
- درست وقتی به لبه‌ی خودروی پارک شده رسیدی توقف کن. این جا جایی است که رانندگان می‌توانند تو را ببینند و تو نیز می‌توانی خودروها را خوب ببینی.



● از روش عبور سبز رنگ استفاده کن. وقتی خودرویی عبور نمی‌کند، از خیابان رد شو. ولی همان‌طور که عبور می‌کنی، خوب نگاه کن و خوب گوش بده. هرگز مشغول بازی با تلفن همراه و هر چیز دیگری که حواست را پرت کند، نباش.



بین خودروها از کدام طرف می‌آیند.
هرگز عبور نکن، مگر این‌که مطمئن شوی
هیچ خودرویی از هیچ طرف نمی‌آید.

روش عبور سبز



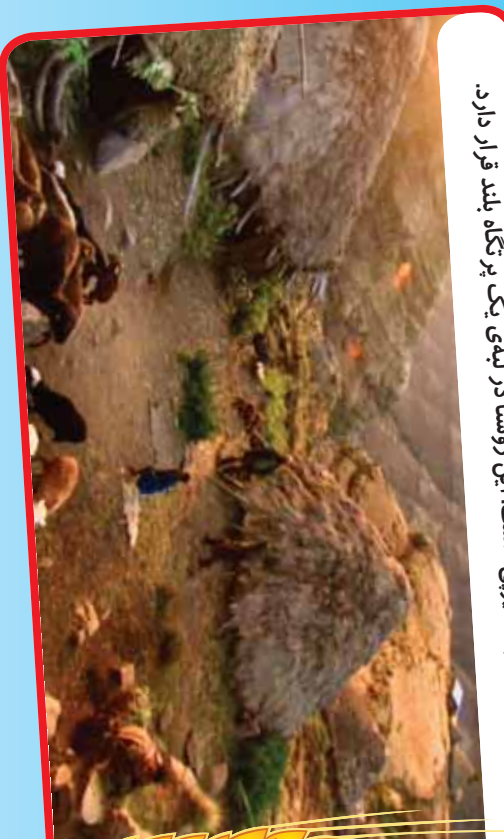
گدومای عذرا

• اعظم لاریجانی



کشاورزان این روستا زمین کافی برای کشت و زرع ندارند. آن‌ها فقط می‌توانند محصولات خود را در نوار باریکی بکارند. اکنون کشاورزان در حال برداشت محصول هستند.

۲



این جا روستایی در کشور «اتیوپی» است. این روستا در لبه‌ی یک پرنگاه بلند قرار دارد.

۱



۱۳ حفاظت از گندم‌هایی که با زحمت زیاد پرورش داده شده‌اند، به عهدی بچه‌هاست.

۱۴ میمون‌ها گرسنه هستند. آن‌ها کمین کرده‌اند تا به گندم‌های کشاورزان حمله کنند و شکمی از عزا در بیاورند!

۱۵ اولین حمله از طرف یک میمون ماده‌ی بزرگ و قوی صورت می‌گیرد. البته او فقط می‌خواهد حواس پسری به نام «درجی» را پرت کند تا بقیه‌ی میمون‌ها از طرف دیگر حمله کنند.

۱۶ کشاورزان فریاد می‌زنند تا «درجی» بفهمد میمون‌ها از طرف دیگر حمله کرده‌اند.

۱۷ درجی به آن سمت می‌دود و با پرتاب سنگ، میمون‌ها را می‌ترساند. البته او باید مواظب باشد که هیچ کدام از میمون‌ها آسیب نبینند. چون آن‌ها جزو موجودات حفاظت شده هستند. بنابراین درجی فقط میمون‌ها را با سنگ می‌ترساند.

۱۸ میمون‌ها فرار می‌کنند و کشاورزان با خوشحالی محصول گندم را برداشت می‌کنند. همه برای درجی دست می‌زنند و حسابی او را تشویق می‌کنند. گندم‌ها برای مردم روستا بسیار عزیزند زیرا بسیار سخت پرورش داده شده‌اند. البته میمون‌ها هم برای محیط زیست عزیزند و نباید آسیب ببینند.



دختری به نام پریا

- داستان
- نویسنده: عبدالمجید نجفی
- ناشر: به نشر
- چاپ دوم: ۱۳۸۹
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۰۶۲۰

پریزادان درخت سیب

- داستان های تخیلی
- نویسنده: سیدنوید سیدعلی اکبر
- تصویرگر: حدیثه قربان
- ناشر: افق



ارسال رایگان
بدون هزینه ی پست

نخستین واژه نامه ریاضی من

- آموزش ریاضی
- نویسنده: کریستین راجرز،
- ثوری لارج
- مترجم: عزیزه رحمانی
- ناشر: قدیانی
- تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰



مجموعه قصه های شاهنامه

- داستان های شاهنامه ی فردوسی
- به روایت آتوسا صالحی
- تصویرگر: نیلوفر میرمحمدی
- ناشر: افق



ارسال رایگان
بدون هزینه ی پست

نردبانی رو به آسمان

- داستان های ترکمنی
- نویسنده: یوسف قوجق
- ناشر: کانون پرورش فکری
- کودکان و نوجوانان
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۶۴۱۱۵



یک قرن زندگی پر ماجرا

- سالشمار توصیفی زندگی
- قدس ایران همسر امام خمینی (ره)
- نویسنده: سیدعلی قادری
- خانم خدیجه ثقفی (قدس ایران)
- همسر گرامی امام خمینی (ره) از بانوان
- تأثیرگذار در تاریخ ایران و اسلام است.
- ایشان علاوه بر خصوصیات فردی و
- آراستگی به اخلاق و کمالات معنوی
- بانویی نمونه بود، از آگاهی های اجتماعی
- روز و شناخت زمانه نیز برخوردار بود.
- بخشی از مقدمه ی کتاب



همصدا با جبرئیل

- شعر فارسی همراه با نمونه‌خوانی نوحه‌های محرم
- به کوشش سید محمد سادات‌اخوی
- ناشر: مؤسسه هنر و ادبیات هلال
- تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۲۷۶۶

ماجرای من و مامان

- داستان‌های اجتماعی
- نویسنده: شادی پزشک‌نیا
- تصویرگر: رویا بیژنی
- ناشر: دانش‌نگار
- تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۰۱۴۴

جدول‌های متنوع مذهبی

- جدول‌های مذهبی
- طراح: حسین کریم‌شاهی‌بیدگلی
- طراح گرافیک: رضا دلیرسولا
- ناشر: قدیانی
- تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰



فرهنگ تصویری قرآن

- آشنایی با قرآن
- مجموعه‌ای شش جلدی
- نویسنده: ناصر نادری
- تصویرگر: شیرین شیخی
- ناشر: پیدایش
- تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۷۰۲۷۰

مواظب جریم می خدا باش

- آموزش موضوعات دینی
- نویسنده: غلامرضا حیدری‌ابهری
- تصویرگر: سید حسام‌الدین طباطبایی
- ناشر: قدیانی
- تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰



بازی با ماشین حساب



در این بازی، شما باید با استفاده از علامت جمع (+) به عدد صفر برسید.
بازیکن اول یک عدد چند رقمی وارد ماشین حساب می‌کند. نفر بعدی باید با جمع یک عدد با عدد قبلی، یکان آن را صفر کند. نفر بعدی باید همین کار را با دهگان آن بکند. و همین‌طور بازی ادامه دارد. این بازی با هر تعداد بازیکن قابل اجراست.
مثال:

۱. نفر اول عدد ۴۷۸۲۱ را وارد ماشین حساب می‌کند.
۲. نفر دوم با زدن + ۹ یکان را صفر می‌کند = ۴۷۸۳۰
۳. نفر بعدی باید یکان و دهگان را صفر کند. پس باید دکمه‌های + ۷۰ را بزند که این عدد به دست بیاید = ۴۷۹۰۰
۴. نفر بعدی باید سه صفر بسازد. پس از این دکمه‌ها استفاده می‌کند: + ۱۰۰ که این عدد به دست می‌آید = ۴۸۰۰۰
۵. نفر بعدی با زدن + ۲۰۰۰ چهار صفر به دست می‌آورد = ۵۰۰۰۰
حالا می‌توانید بازی را از ابتدا با عددی دیگر شروع کنید.

بازی خانه‌ها

بین این دو تصویر ۱۲ تفاوت وجود دارد. اگر خوب بگردید، آن‌ها را پیدا می‌کنید!



رنگ‌های مکمل



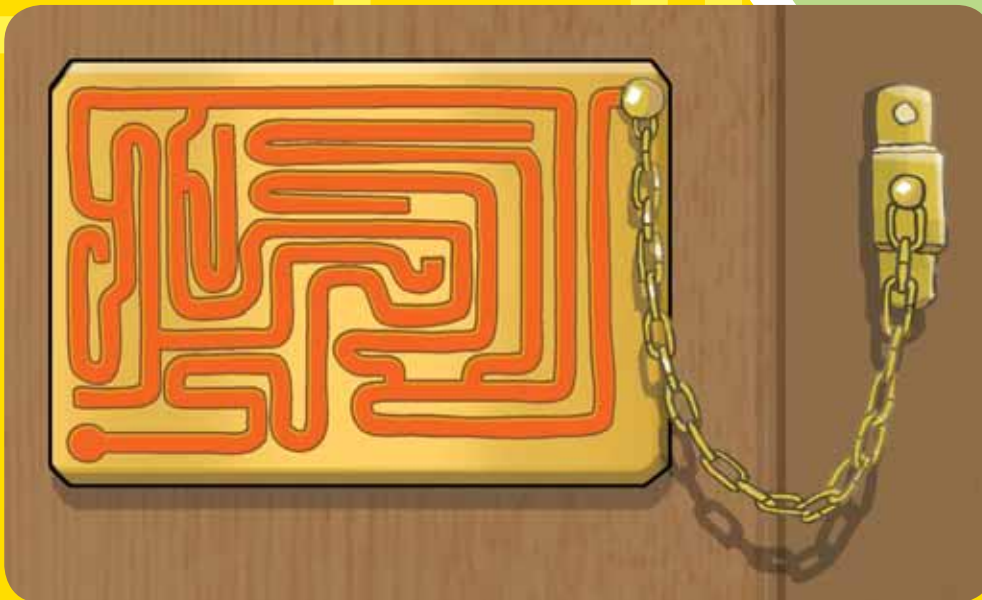
به رنگ‌های متضاد، رنگ‌های مکمل هم می‌گوییم. از ترکیب دو رنگ مکمل، رنگ خنثی (خاکستری یا سفید یا سیاه) به‌دست می‌آید. چشم ما بعد از نگاه کردن طولانی به یک رنگ، دوست دارد مکمل آن را ببیند. با این بازی، متوجه این عمل چشم می‌شوید.



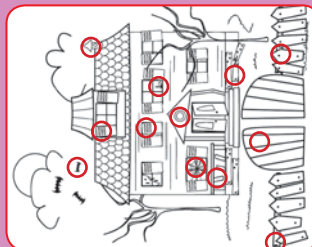
در را باز کنید

برای باز کردن این زنجیر ایمنی، کمی دقت و حوصله لازم است. مهمان‌ها پشت در هستند. در را برایشان باز کنید!

یک دقیقه بدون وقفه به تصویر بالا نگاه کنید. سپس به یک صفحه‌ی خالی سفید رنگ نگاه کنید. تصویر تاری به رنگ مکمل رنگ قبلی می‌بینید! اگر تصویر کم‌کم کمرنگ‌تر شد، با پلک زدن دوباره آن‌را پررنگ‌تر می‌بینید. می‌توانید این کار را با اشیای رنگی هم انجام دهید.



بازی خانه‌ها



در را باز کنید



پاسخ سرگرمی

بازی با ماشین حساب

جواب: ۱۲
۲ شاخ، ۴ پا و ۱ دم
می‌شود ۷
 $۲+۴+۱=۷$
 $۸۴ \div ۷ = ۱۲$

دفاع روی تور والیبال

در ورزش والیبال «دفاع روی تور» به صورت تک، دو یا سه نفره انجام می‌گیرد. بازیکنان، محلّ حمله‌ی تیم مقابل را پیش‌بینی می‌کنند و راه حمله را می‌بندند. بعد از رسیدن به آن محل، زانوها برای پرش خم می‌شود. دست‌ها موقع پریدن به سمت بالا می‌رود و تمام بدن برای رسیدن به توپ کش می‌آید. دست‌ها هم به حالت دیوار، جلوی توپ را می‌گیرد تا توپ به زمین حریف برگردد. «سیدمحمد موسوی» بهترین بازیکن مدافع تور ایران است.



دارحلقه

دارحلقه از وسایل ورزشی ژیمناستیک است. دارحلقه، دو حلقه‌ی آویخته در ارتفاع ۲۸۰ سانتی‌متری است. در دارحلقه ورزشکار با کمک گرفتن از یک نفر حلقه‌ها را می‌گیرد و با دستور آغاز، کار خود را شروع می‌کند. حرکاتی که در بخش دارحلقه انجام می‌گیرد، بالانس، پرچم، صلیب، تاب جلو، آفتاب و... است.

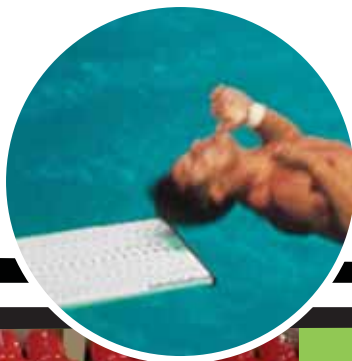


ورزش سه‌گانه

در ورزش «سه‌گانه» شرکت کنندگان با انجام دادن سه مرحله‌ی استقامتی رقابت می‌کنند. مراحل شنا، دوچرخه‌سواری و دو و میدانی! طول این مسابقه شامل ۱۵۰۰ متر شنا، ۴۰ کیلومتر دوچرخه‌سواری و ۱۰ کیلومتر دو و میدانی است. سه‌گانه از سال ۲۰۰۰ در دو بخش مردان و زنان وارد مسابقات المپیک شده است.

قهرمانی با سر شکسته

در مسابقات شیرجه‌ی المپیک ۱۹۸۸ سر «گرگ لوکانیس» آمریکایی در هنگام شیرجه به تخته‌ی فتری برخورد کرد و سرش شکست. جالب است که او با همان سر شکسته قهرمان بازی‌ها شد!



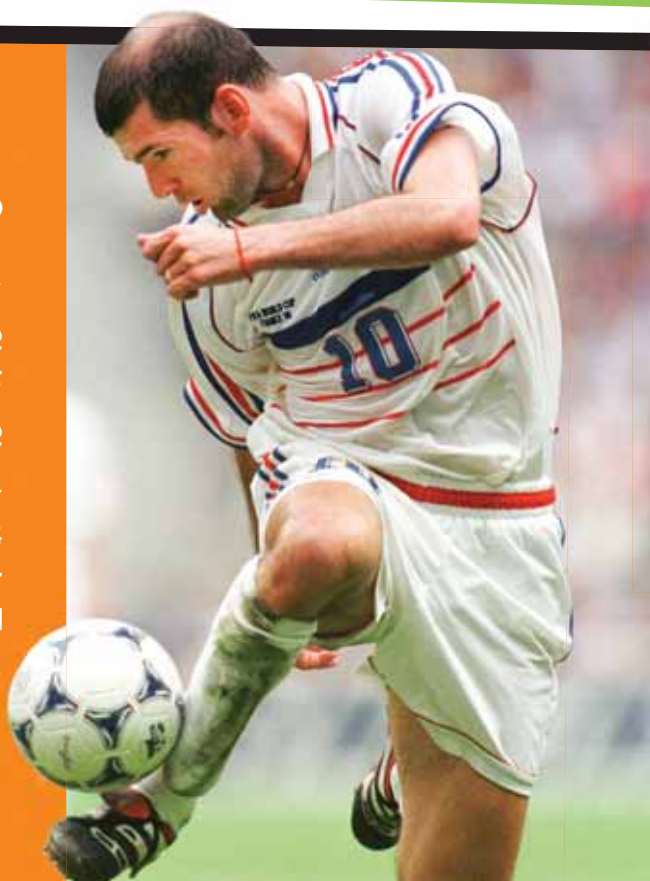
قهرمان نونهالان و نوجوانان

«امین احمدیان» ورزشکاری با استعداد در رشته‌ی تنیس روی میز است. او تاکنون رتبه‌هایی مانند قهرمانی نونهالان و نوجوانان کشور را به‌دست آورده است. امین تا به حال دو بار هم به تیم ملی دعوت شده است. او با تلاش بسیار به عضویت تیم تنیس روی میز «منتخب امیدهای جهان» نیز درآمده است.



ستاره‌ی مسلمان دنیای فوتبال

«زین الدین زیدان» فوتبالیست مسلمان تیم ملی فرانسه بود. کارشناسان می‌گویند او یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال است. او در طول عمر حرفه‌ای‌اش سه بار به عنوان بهترین بازیکن سال جهان انتخاب شد. زیدان یک بار جایزه‌ی بهترین بازیکن اروپا، یک بار جایزه‌ی پر ارزش‌ترین بازیکن جام باشگاه‌های اروپا و یک بار جایزه‌ی بهترین بازیکن جام جهانی را دریافت کرده است.

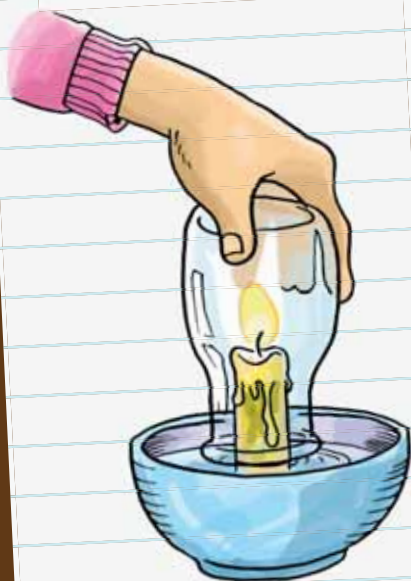
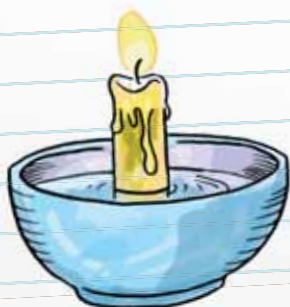


اکسیژن هوا

وسایل مورد نیاز

- بطری
- کاسه‌ی پر از آب
- شمع
- کبریت

مراحل آزمایش



شمع را وسط کاسه قرار دهید. در کاسه آب بریزید. شمع را روشن کنید و بطری را (مطابق شکل) روی آن بگذارید. مراقب باشید شعله‌ی شمع خاموش نشود. شمع به سوختن ادامه می‌دهد. تا این که کم کم شعله‌ی آن کوچک و کوچک‌تر و بالاخره خاموش می‌شود. در این آزمایش شما می‌بینید که آب آرام آرام از دهانه‌ی بطری بالا می‌رود.

چرا؟

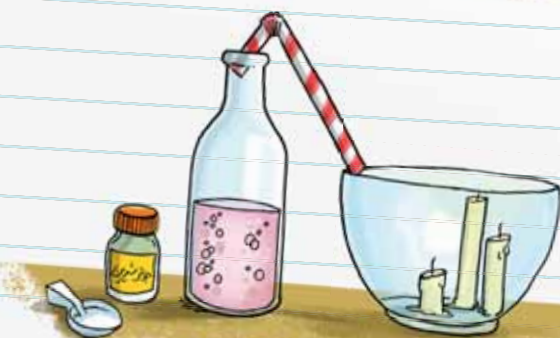
چرا شعله‌ی شمع کم کم خاموش می‌شود؟... دلیل آن، کاهش مقدار اکسیژن موجود در هوای داخل بطری است. سوختن یعنی ترکیب مواد با اکسیژن موجود در هوا و آزاد شدن حرارت. بنابراین، اکسیژن موجود در هوا با سوختن شمع، کم می‌شود. با تمام شدن مقدار اکسیژن، شعله‌ی شمع نیز خاموش می‌شود. با کاهش مقدار هوای داخل بطری، فشار هوای داخل آن کاهش پیدا می‌کند. با کاهش فشار هوای داخل بطری، آب به داخل بطری مکیده می‌شود تا جای خالی هوا را پر کند.

دی اکسید کربن، از هوا سنگین تر است



وسایل مورد نیاز

- سرکه
- مقداری جوش شیرین
- کاسه‌ی شیشه‌ای
- سه شمع در اندازه‌های مختلف
- لوله‌ی پلاستیکی یا نی



مراحل آزمایش

نصف بطری را از سرکه پر کنید. مقداری جوش شیرین به آن اضافه کنید. گاز دی اکسید کربن تولید شده، حباب‌هایی را در محلول به وجود می‌آورد که به طرف

سطح مایع بالا می‌آیند. شاخه‌ی کوتاه لوله، در دهانه‌ی بطری قرار دارد و شاخه‌ی بلند آن به لبه‌ی دهانه‌ی کاسه تکیه داده شده است. سه شمع روشن در اندازه‌های مختلف در کاسه می‌سوزند. چون «هیدرات کربن» سنگین تر از هواست، با عبور از شاخه‌ی کوتاه لوله، در شاخه‌ی بلند آن به طرف پایین حرکت می‌کند و در کف کاسه‌ی بلوری جمع می‌شود. کم‌کم قطر گاز کف کاسه، بیشتر و بیشتر می‌شود. هر چه گاز به فتیله‌ی شمع کوچک نزدیک‌تر شود، شعله‌ی آن ضعیف و ضعیف‌تر و بالاخره خاموش می‌شود. شعله‌های دیگر هنوز به خوبی می‌سوزند اما با بیشتر شدن گاز دی اکسید کربن، آن‌ها هم خاموش می‌شوند.

چرا؟

گاز دی اکسید کربن مانع تماس شعله‌ی شمع با اکسیژن هوا می‌شود. شعله‌ی شمع، بدون اکسیژن نمی‌تواند به سوختن ادامه دهد و خاموش می‌شود.

چگونه مراقب

حرف‌های خصوصی

باشیم؟

کلیدهای طلایی فقط برای شما!

همه‌ی ما کنجکاو‌ی‌ها و سؤال‌هایی داریم... حرف‌ها و رازهایی که باید با دیگران در میان بگذاریم... رازهایی که باید درباره‌ی آن‌ها مشورت کنیم. اگر ما ندانیم که چه طور و با چه کسی درباره‌ی این کنجکاو‌ی‌ها و سؤال‌ها حرف بزنیم، ممکن است آسیب ببینیم. در این مطلب، یاد می‌گیریم که چگونه و با چه کسانی رازگویی کنیم.

چه حرف‌هایی
خصوصی و محرمانه
است؟

قبل از گفتن هر حرفی، فکر کن که اگر آن را به زبان بیاوری، بعداً احساس خجالت می‌کنی یا نه؟... برای این کار، می‌توانی مقابل آینه بایستی و خودت را هنگام گفتن آن حرف و یا بعد از آن تجسس کنی. با این کار، ممکن است پشیمان بشوی. حتی ممکن است از دیدن خودت خجالت بکشی! در این صورت، مطمئن باش این حرف، یک حرف خصوصی است. یعنی حرفی که نباید پیش هر کسی به زبان بیاید.

کلید اوله



دایره‌های
اسرارآمیز

کلید دومه

روی یک برگ کاغذ، تصویری از خودت بکش. حالا یک دایره دور آن رسم کن. داخل این دایره، همه حرف‌هایی که به ویژگی‌های خصوصی بدن و شخصیت تو مربوط می‌شود قرار دارد. می‌توانی چند نکته درباره‌ی خودت در این دایره بنویسی. بیرون دایره، با تصاویری اعضای خانواده‌ات را نشان بده. حالا هر چه که مربوط به خصوصیات و اتفاقات مربوط به آن‌هاست جزئی از حرف‌های محرمانه‌ی خانوادگی تو به حساب می‌آیند. پس دور دایره‌ی اول، یک دایره‌ی بزرگ‌تر بکش. بیرون از دایره‌ی خانوادگی، هر رازی به هر کسی، گفتنی نیست.





اگر کسی که برای شنیدن حرف‌های خصوصی تو مناسب نیست، اصرار کرد که رازهایت را بگویی، لبخند بزن و حرف را عوض کن. بعد سعی کن به بهانه‌ای از او دور شوی تا موضوع را فراموش کند و کنجکاوی‌اش از بین برود.



کدام حرف، به چه کسی؟

کلید سوم:

به سه دایره‌ی اسرار آمیز نگاه کن، بعد از خودت، خانواده (مادر، پدر، خواهر و برادر) به تو نزدیک‌تر هستند. آن‌ها می‌توانند بهترین افراد برای شنیدن حرف‌های خصوصی تو باشند.



یک عادت عالی:

هر وقت درباره‌ی گفتن چیزی به کسی تردید داری، می‌توانی از افراد خانواده‌ات بپرسی که گفتن آن درست است یا نه.



آینه و نامه

کلید چهارم:

مقابل آینه بایست. به خودت نگاه کن. فکر کن به مادر یا پدرت نگاه می‌کنی. حرفت را بزن یا سؤال را مطرح کن. این تمرین باعث می‌شود موقع گفت‌وگو با مادر یا پدرت، خجالت را کنار بگذاری. اگر باز هم نشد، کاغذ و قلم بردار و حرف‌ها و سؤال‌هایت را بنویس. بعد، آن را در اولین فرصت مناسب به دست مادر یا پدر برسان.

کلید یکم: وقت شناسی

- این زمان‌ها را برای گفت‌وگو درباره‌ی موضوعات خصوصی انتخاب نکن:
- هنگامی که مهمان دارید و همه مشغول پذیرایی از مهمان‌ها هستند.
 - زمانی که مادر و پدر، گرفتار کارهای روزمره هستند.
 - موقع خستگی و خواب‌آلودگی.

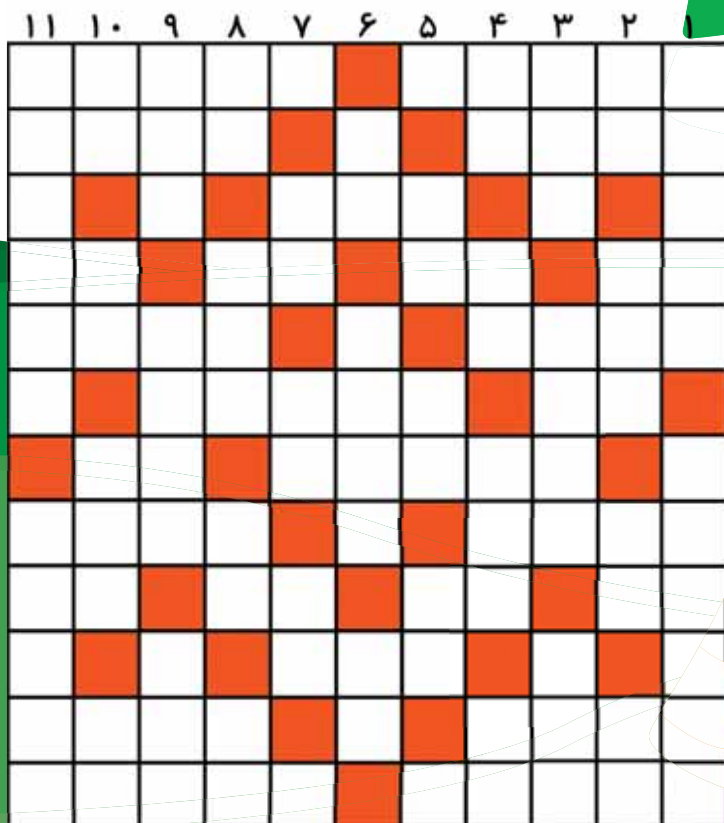


افقی ←

۱. نام فارسی اختاپوس - در مزرعه برای ترساندن پرندگان از آن استفاده می‌کنند
۲. بُرش بلند و باریک از هر چیز - کسی که توانایی دیدن دارد
۳. از آفت‌هایی که به صورت دسته‌جمعی به محصولات کشاورزی حمله می‌کنند
۴. مایه‌ی حیات - از مصالح ساختمانی - نصف طوطی! - نیکی به زبان عربی
۵. جسمی که نور تولید می‌کند - از انواع مرگبات
۶. قلب - پریشان
۷. مجموعه‌ی اشعار یک شاعر - یار سوزن!
۸. پیوسته - دوست تیر!
۹. دوم شخص مفرد - خیسی - نوعی هواپیما - اندک
۱۰. از درختان معروف در شعر فارسی
۱۱. قاره‌ی ما - چای در آن دم می‌کشد
۱۲. از سیاره‌های منظومه‌ی شمسی - پادشاه هخامنشی.

↓ عمودی

۱. موقع - آزمون
۲. نمایش به انگلیسی! - طناب - عدد دهنده - پسوند شباهت
۳. بر سر خروس است - بلندترین شب سال - بخش‌های یک سوره
۴. پوشش تن پرندگان - مخفف اگر - کشور عربی - حرف ندا
۵. قسمتی از دست - سوم شخص مفرد - فلز سرخ
۶. مخترع تلفن - علامت - اثر یا علامت چیزی
۷. از بی‌نهایت نقطه درست می‌شود - مفرد فنون - از غلات
۸. حرارت بالای بدن - واحد اندازه‌گیری برق - لباس مردانه - پرنده‌ی زیبا
۹. موی صورت مردان - مهین در هم ریخته! - پُر نمک
۱۰. طول عمر - از شهرهای استان کرمان - گیاه در آن رشد می‌کند - امر به رفتن.
۱۱. از شهرهای استان فارس - تئاتر.



عکس خوب

توی عروسی، عروس خانم عکاس را صدا زد و گفت: «می‌توانید یک عکس خیلی خوب از من و آقای داماد بگیرید؟»
عکاس گفت: «همه‌ی عکس‌های من خوب است. شما چه جور عکسی می‌خواهید؟»
عروس گفت: «می‌خواهم یک عکسی بگیرید که گوش‌های داماد، کاملاً توی آن جا بشود!»

شست‌وشو

آقا مهران، اصلاً بهداشت را رعایت نمی‌کرد. یک شب هم به خاطر خوردن غذای بیرون مسموم شد. دکتر گفت: «باید معده‌ی خانم آقا مهران گفت: «چه خوب!... شست‌وشو بدید!»
شست‌وشو بدید!»



شیر

توی باغ‌وحش، بیژن یک چشمش را بسته بود. مامان گفت: «چرا یک چشمت را بسته‌ای پسر؟»
بیژن گفت: «می‌خواهم نصف دفعه‌ی قبل، از شیرها بترسم!»

مدرک

مریضی که از درمانش راضی نبود، به دکتر گفت: «به من یک مدرک دانشگاهی نشان بدهید که ثابت کند شما دکتر هستید.»
دکتر گفت: «شما هم یک مدرک دانشگاهی نشان بدهید که ثابت کند، مریض هستید!»



خیارشور

مشتری، پیش خدمت را صدا زد و گفت: «آقا لطفاً این ساندویچ الویه را ببرید و یکی دیگر بیاورید.»
مگر این ساندویچ چه مشکلی دارد قربان؟
- تویش سه تا مگس مرده پیدا کردم. تازه، خیارشورش هم خیلی کم است!



خسیس

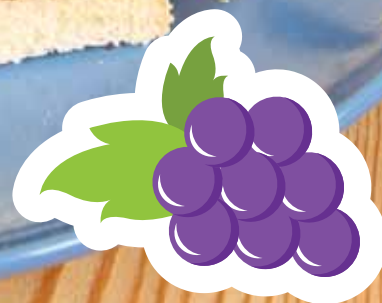
ناصر خان خیلی خسیس بود. او به عنوان هدیه‌ی عروسی، یک دستگاه آب‌میوه‌گیری سوخته به آقا بابک هدیه داد. آقابابک گفت: «آب‌میوه‌گیری سوخته به چه درد ما می‌خورد؟»
ناصر خان گفت: «برای روزهایی که نمی‌خواهید آب‌میوه بخورید، از آن استفاده کنید!»



اتوبان

- دکتر به دادم برسید. شوهرم همیشه با ماشین از توی اتوبان می‌رود.
- چه اشکالی دارد خانم محترم؟
- آقای دکتر، شوهرم با ماشین ریش‌تراشی هم از توی اتوبان می‌رود!

لقمه‌ی خرما و گردو



طرز تهیه

۱. هسته‌ی خرماها را در بیاورید.
۲. خرما، گردو، کره و دارچین را در تابه بریزید و روی اجاق بگذارید. کمی این مایه را هم بزنید تا نرم شود.
۳. نان‌های تست را به شکل مثلث برش بزنید.
۴. سه تا از برش‌های نان را با مایه‌ی آماده شده بپوشانید. روی هر کدام یک برش نان بگذارید.
۵. لقمه‌ها را در یک کیسه فریزر بگذارید و در مدرسه **نوش جان** کنید!

مواد لازم

- خرما، شش عدد
- مغز گردوی خرد شده، یک قاشق غذاخوری
- کره، یک قاشق چای‌خوری
- نان تست، سه عدد
- دارچین به اندازه‌ی لازم